

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱. در قانون مدنی انواع ادله ی اثبات دعوا شمارش شده و تعریف، شرایط، توان اثباتی و ... هر یک از آنها آمده است.
۲. در قانون آیین دادرسی مدنی، زمان ارایه یا استناد به ادله، شیوه به کارگیری آنها، شیوه رسیدگی به آنها، دفاع در برابر آنها و ... آورده شده است.
۳. مقررات ماهوی ادله در گروه حقوق مدنی شرح داده شده و مقررات شکلی ادله در گروه آیین دادرسی مدنی بررسی شده است.
۴. دلیل: به معنای نشان و نمایان کننده می باشد و به هر وسیله ای گفته می شود که در قانون پیش بینی شده و در مرجع قضاوتی، با نمایاندن امری، سبب اقناع وجدان (ایجاد باور درونی) دادرس به واقعیت ادعا شود.
۵. دلیل و باور درونی دادرس: مثلاً اگر خواننده دعوا اقرار نماید که به خواهان مدیون است، دادگاه باید بپذیرد حتی اگر باور درونی به مدیون بودن خواننده نداشته باشد؛ زیرا قانونگذار اقرار را جانشین باور درونی دادرس قرار داده است.
۶. دلیل و واقعیت: نمی توان گفت دلیل برای ایجاد اعتقاد به وصول حقیقت است بلکه باید گفت دلیل برای واقع نمایاندن امر مورد ادعاست.
۷. شمار ادله: هرگاه وسیله ای به عنوان دلیل ارایه می شود باید تعریف یکی از ادله و وسایل هشتگانه ی اثبات دعوا که در قانون شمارش شده اند بر آن صادق باشد (اقرار / سند / گواهی / سوگند / اماره / تحقیق محلی / معاینه محلی / کارشناسی). بنابراین مواردی که مشمول تعریف هیچ یک از وسایل و ادله اثبات دعوا نباشند، نمی توانند به خودی خود، ادعا را در امور حقوقی اثبات نمایند.
۸. اهمیت دلیل: حق بدون دلیل مانند کالای بی ارزش است یا دلیل حق را زنده می کند.
۹. اقسام دلیل } * نوع اول
- دلیل از پیش فراهم شده: دلیلی است که شخص پیش از به وجود آمدن هر اختلافی برای خود فراهم می آورد.
- دلیل اتفاقی: دلیلی است که به صورت اتفاقی در زمان اختلاف وجود داشته یا پس از وقوع آن تهیه و تدارک می شود.
* نوع دوم
- دلیل قانونی: قانون راه های رسیدن دادرس به اقناع وجدانی را به او تحمیل می کند و دادرس باید تنها دلایلی را که در قانون شمارش شده، بپذیرد.
- دلیل اخلاقی (معنوی): راه های رسیدن دادرس به اقناع وجدانی بی شمار است و دادرس با هیچ محدودیت قانونی از حیث شمار ادله رو به رو نیست.
* نوع سوم
- دلیل مستقیم: هرگاه دلیل، امری را که سبب پیدایش یا سقوط حق مورد ادعا شده، بی واسطه اثبات نماید. مثل: سفته ای که به امضای خواننده رسیده
- دلیل غیر مستقیم: امری را اثبات می نماید که اگر چه دلالت مطابقی یا تضمینی به حق ادعایی ندارند اما نوعاً با آن ملازمه داشته باشند.
مثل: امارات (قانونی / قضایی)
۱۰. موضوع دلیل: امری است که با دلیل اثبات می شود.
۱۱. خواهان تکلیفی به استناد و اثبات قانون ندارد.
۱۲. موضوع دلیل تنها امور موضوعی را در بر میگیرد و نه امور حکمی را.
۱۳. در موارد استثنایی، مدعی مکلف به اثبات وجود امور حکمی یعنی قانون یا قاعده حقوقی نیز می شود.

۱۴. موارد استثناء * قاعده عرفی: در عرف عام، تکلیف بر عهده دادگاه است تا آگاهی لازم را بدست آورد ولی در عرف خاص و عرف قراردادی، تکلیف بر عهده مدعی است.
- * قانون خارجی: اثبات قانون خارجی، بر عهده طرفی است که به آن استناد می کند و نمی توان دادگاه را مکلف به آگاهی از وجود و محتوای قانون خارجی دانست
- * مقررات مربوط به احوال شخصیه سایر مذاهب
- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمه ی متداوله در مذهب شوهر
 - در مسائل مربوط به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلمه ی متداوله در مذهب متوفا
 - در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمه ی متداوله در مذهب پدر خوانده یا مادر خوانده
۱۵. مدعی در نخستین گام باید امری را که به او حق می دهد تا از اجرای قانونی بهره مند شود اعلام کند.
۱۶. اموری که به مدعی حق میدهند تا از اجرای قانونی بهره مند شود باید دارای ۳ ویژگی باشند
- مربوط باشند
 - کارا و موثر باشند
 - پذیرفتنی باشند
۱۷. تشخیص پیوند و ارتباط بین امری که پیشنهاد اثبات آن می شود با موضوع ادعا (ادعای اصلی) به صلاحدید دادگاه با نظارت مرجع عالی می باشد.
۱۸. مدعی، هر یک از اصحاب دعواست که اظهار او خلاف اصل باشد و یا خلاف امری باشد که قانونگذار وجود آن را فرض نموده است.
۱۹. اظهار اگر خلاف امری باشد که اثبات شده است نیز ادعا شمرده می شود.
۲۰. در امارات قانونی، مدعی باید امری را که نسبت به آن آگاهی وجود دارد و اعمال اماره مشروط به آن است اثبات نماید و نمی توان گفت که در صورت وجود اماره قانونی به نفع مدعی، وی از آوردن هرگونه دلیلی معاف است.
۲۱. در مواردی که اثبات مطلق (ایجاد کننده یقین) امری که وضعیت حقوقی مورد اختلاف را به وجود آورده، شدنی نیست، کافی است که مدعی در ذهن دادرس نسبت به صحت ادعای خود ایجاد ظن معتبر نماید.
۲۲. ظن معتبر حالتی فراتر از شک و فروتر از علم (یقین) است.
۲۳. رسیدگی به دلیل مستلزم این است که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف باشد.
۲۴. یکی از وظایف دادگاه تشخیص درستی و نادرستی دلیلی است که درستی آن مورد اختلاف طرفین است.
۲۵. رجوع به دلیل از سوی دادگاه، توجه کردن به آن و عندالافتضاء ارزیابی، به کار گیری و استناد به آن است.
۲۶. ارزیابی دلیل: عبارت از این است که دادرس آن را به دقت بررسی نماید تا بتواند قانع شدن یا نشدن خود را نسبت به تحقق امر ادعایی مربوط و احراز شدن یا نشدن آن را اعلام کند.
۲۷. اصل عملی عبارت از قاعده ای است که به هنگام شک در حکم واقعی، بدان عمل می شود.
۲۸. تحصیل دلیل: جست و جو و تهیه دلیل از سوی دادرس به جای مدعی را گویند.
۲۹. دادن نقش فعال و پر تحرک به دادرس در نظام های حقوقی متأثر از مکتب لیبرالیسم که خطوط اصلی دادرسی اتهامی را پذیرفته اند، مردود شمرده شده است.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۳۰. نظام های حقوقی متأثر از مکتب سوسیالیسم که خطوط اصلی دادرسی تفتیشی را پذیرفته اند، دادن نقش فعال و پر تحرک به دادرس را لازم می دانند.
۳۱. در فقه تلقین دلیل (راهنمایی هر یک از اصحاب دعوا در استناد به دلیل) از سوی دادرس ممنوع است. پس به طریق اولی تحصیل دلیل هم مجاز نمی باشد.
۳۲. پذیرش دلیل خارج از مهلت در همان مرحله ی نخستین باید در صورتی مجاز شمرده شود که دلیل جدید بعد از موعد مقرر یافت شده باشد.
۳۳. دادگاه تجدید نظر می تواند به دلایلی توجه نماید که در مرحله ی نخستین خارج از مهلت ارایه شده اما دادگاه نخستین آنها را نپذیرفته است.
۳۴. در امور حقوقی قاضی نمی تواند بخاطر تعارض بین علم بین خود با سایر ادله، دلایل قانونی را نامعتبر بداند ولی در امور کیفری این امر امکان پذیر است.
۳۵. اگر دلیلی با توان اثباتی لازم در پرونده وجود نداشته باشد اما دادرس به صحت ادعای مدعی علم داشته باشد و یا بالعکس، دادرس در این صورت با صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را برای ارجاع به شعبه ی دیگر، نزد رییس کل می فرستد.
۳۶. وقتی رسیدگی به ادله باید حسب مورد خارج از حوزه دادگاه صورت گیرد، در این صورت دادگاه برابر مقررات، به نیابت قضایی روی می آورد.
۳۷. نیابت قضایی می تواند داخلی یا بین المللی باشد.
۳۸. دادگاه رسیدگی کننده به دعوا در صورتی می تواند نیابت قضایی بدهد که مباشرتش شرط نباشد.
۳۹. اقدامات دادگاهی که به آن نیابت داده شده در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه نیابت دهنده باشد.
۴۰. اجرای قرارهایی مانند تحقیق و معاینه ی محل توسط دادگاه رسیدگی کننده به دعوا در خارج از حوزه ی خود، تخلف شمرده شده است.
۴۱. دادرس دادگاه نایب باید نیابت را پذیرفته و اجرا نماید و نمی تواند به عللی مانند تراکم کار یا ... از اجرای آن خودداری کرده و پرونده را بازگرداند.
۴۲. درجه دادگاه نیابت دهنده باید از درجه دادگاه نایب بالاتر و یا با آن مساوی باشد.
۴۳. مرجع عمومی نمی تواند اختیارات خود را حتی در امر رسیدگی به دلایل به سایر مراجع نیابت دهد.
۴۴. دادن نیابت قضایی به دادگاه کشورهای بیگانه در صورتی است که بین ایران و کشور نیابت گیرنده قرارداد تعاون قضایی یا معامله ی متقابل وجود داشته باشد.
۴۵. قوانین حاکم بر آیین تهیه، ارایه و به کار گیری دلیل نیز، مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص شمرده می شوند و بنابراین جز در مواردی که به حقوق مکتسبه اشخاص خلل وارد می آورند، باید فوراً اجرا شوند؛ پس در دادرسی هایی که در جریان می باشند، قانون جدید باید اجرا شود.
۴۶. اقدامات طرفین در تهیه و تدارک دلایلی که برای تضمین هر چه بیشتر و بهتر حقوق شخصی خود، با توجه به قانون حاکم در زمان وقوع اعمال حقوقی، انجام داده اند محترم دانسته می شود.
۴۷. دلایلی که در جریان دادرسی برای اثبات اعمال حقوقی فراهم می شود مانند (اقرار، سوگند، تحقیق محلی، کارشناسی و ...) تابع قانون زمان رسیدگی و صدور رای است.
۴۸. آیین ارایه و رسیدگی به دلیل و به کار گیری آن مشمول قانون کشور محل دادگاه است.
۴۹. برای تعیین طرفی که بار دلیل بر دوش اوست باید به قانونی استناد نمود که حاکم بر ماهیت حق است. مثل: روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۵۰. امارات قانونی نیز، چون موجب کاستن از بار دلیل می شوند، مشمول قانونی می شوند که حاکم بر ماهیت حق است.

۵۱. سند در لغت به معنای « آنچه بدان اعتماد کنند » آمده است.

۵۲. قانون مدنی اسناد را به دو دسته رسمی و عادی تقسیم کرده است.

۵۳. ارکان سند

- ۱- تنظیم سند به وسیله ی مامور رسمی -
- پروانه ی ساختمان یا گواهی پایان کار صادره از شهرداری نیز با رعایت دو شرط دیگر، سند رسمی محسوب می شوند
- بخشی از سند واحد می تواند رسمی و بخش دیگر آن عادی باشد.

۲- رعایت حدود صلاحیت مامور در تنظیم سند -

- مامور باید در چارچوب صلاحیت ذاتی و نسبی خود مبادرت به تنظیم سند کرده باشد.
- مامور باید در نوع امری که سند آن را تنظیم نموده صالح باشد. (صلاحیت ذاتی)
- مامور باید مکان، زمان و وضعیت حقوقی اشخاصی که سند برای آنان تنظیم می گردد را رعایت کند. (صلاحیت نسبی)

۳- رعایت مقررات قانونی در تنظیم سند -

- در تنظیم اسناد رسمی باید تشریفات رعایت شود.
- نخست تشریفات که رعایت نکردن آنها سند را از رسمیت نمی اندازد. مثل: تمبر
- تشریفات که عدم رعایت آنها مانع رسمیت سند می شود. مثل: تشریفات پیش بینی شده در قانون و آیین نامه ها

۵۴. اعتبار اصل سند رسمی

* محتویات سند رسمی : محتویات هر سند عبارات، امضاها، مهرها و اثر انگشت هایی می باشد که در سند نوشته یا گذاشته می شود.

* مندرجات سند رسمی: مندرجات سند، مفاد و معنی عباراتی است که در سند نوشته شده (مانند اینکه در سند نوشته شده «فروشنده ثمن را دریافت کرد»).

- انواع مندرجات سند رسمی

- اعتبار اعلام های مامور: اعلام های مامور رسمی بخشی از مندرجات سند است که خود مامور رسمی دیده یا شنیده یا به گونه ی متناسب دیگری دریافت و در سند اعلام کرده است. مثل: هویت امضاء کنندگان
- * نکته: محتویات از امور مادی است و مندرجات از امور معنوی
- اعتبار اعلام های افراد: اعلام های افراد است که در حضور مامور رسمی به عمل آمده است. مثل: فروشنده در حضور مامور اعلام یا اقرار نموده که ثمن را دریافت کرده

۵۵. رونوشت سند رسمی فقط در صورتی به منزله اصل سند خواهد بود که مامور «مطابقت آن را با ثبت دفتر» گواهی نموده باشد.

۵۶. رونوشت یا روگرفت سند رسمی که برای نمونه توسط دفتر دادگاه، بخشدار یا وکلای اصحاب دعوا برای پیوست به دادخواست یا لایحه و یا ارایه در جلسه دادرسی برابر با اصل گردیده « به منزله اصل سند» نمی باشد.

۵۷. توان اجرایی سند رسمی: یعنی بستانکار یا متعهد له می تواند، بی آنکه نیاز به اقامه دعوا و گرفتن حکم دادگاه باشد، با مراجعه به تشکیلات اجرایی مربوط، متعهد را وادار به اجرای موضوع سند نماید.

۵۸. اجرای دادگستری از مهمترین تشکیلات اجرایی کشور است اما در صورتی می توان به آن مراجعه نمود که، پیش از آن به دادگاه مراجعه شده و رای لازم الاجرا گرفته شده باشد.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۵۹. اجرای ثبت نیز از مهمترین تشکیلات اجرایی است که اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و نیز اسناد عادی که به موجب قانون در حکم سند لازم الاجرا می باشند را بر عهده دارد.

۶۰. سند مالکیت اگر چه از مصادیق بارز سند رسمی است اما در هیچ قانونی لازم الاجرا بودن آن پیش بینی نشده است.

۶۱. رابطه بین سند لازم الاجرا و سند رسمی، عموم و خصوص من وجه است زیرا بعضی از اسناد لازم الاجرا، رسمی و بعضی از اسناد رسمی، لازم الاجرا می باشند.

۶۲. توان اثباتی سند رسمی: منظور تاثیر قانونی آن در ایجاد اعتماد در دادرس به درستی ادعای شخصی است که به سند رسمی استناد می نماید.

۶۳. اسنادی که در خارج از ایران به وسیله ی مامورین صالح ایرانی در حدود صلاحیت خود و طبق مقررات ایران تنظیم شده باشند، سند رسمی محسوب می شوند.

۶۴. مقررات شکلی تنظیم سند تنها درباره ی اسناد رسمی مصداق دارد و اسناد عادی شکل ویژه ای ندارند.

۶۵. تنها رکن سند عادی، امضاء می باشد.

۶۶. هر نوشته ی در خور استنادی که هر یک از شرایط سند رسمی را نداشته باشد اما دارای امضای منتسب الیه باشد، سند عادی شمرده می شود.

۶۷. قانون تجارت الکترونیکی، نوشته الکترونیکی یا داده پیام را در حکم نوشته ی سنتی قرار داده.

۶۸. هر علامتی (برای نمونه شماره ی رمز) که شناسایی امضاکننده ی داده پیام را امکان پذیر نماید، امضای الکترونیکی شمرده می شود.

۶۹. انواع سند عادی
- ۱- اسناد تجاری: همه اسنادی را در برمیگردد که بین تجار رد و بدل شده و معمولاً در خور معامله می باشند.
 - ۲- دفاتر تجاری: دفاتر تجاری تاجر، چه در دعوی بین تاجر و تاجر و چه در دعوی بین تاجر و غیر تاجر، علیه او دلیل است ولی در دعوی بین تاجر و غیر تاجر به نفع او سندیت ندارد و تنها می تواند جزء قراین و امارات قبول شود.
 - ۳- سایر اسناد عادی: اسناد عادی گواهی امضاء شده / اسناد عادی لازم الاجراء / سند عادی که اعتبار سند رسمی دارد / نامه ی خصوصی / نوشته ی الکترونیکی.
 - ۴- دورنویس (Fax): از نظام کپی ها (روگرفت) پیروی می نماید و احکام و پیامدهای نوشته ی الکترونیکی که تولید می شود، بر آن بار نمی شود.

۷۰. اعتبار سند و مفاهیم آن
- اعتبار سند به مفهوم اعم (ارزش): دادگاه در صورتی می تواند به سند ارزش اثباتی دهد که مخالف قوانین نباشد.
 - اعتبار سند به مفهوم مقاومت آن در برابر انکار و تردید (اصالت): اصل بر اصالت سند رسمی است و اگر شخص مایل باشد که به اصالت سند رسمی تعرض کند، تنها باید ادعای جعل کند و نمی تواند نسبت به سند رسمی انکار یا تردید نماید.
 - اعتبار سند به مفهوم قابلیت استناد (تحلیل مفاد)
 - ۱- نسبت به امضاء کنندگان و قائم مقام: مندرجات هر سندی علیه اشخاصی که آن را امضا نموده اند و نیز قائم مقام قانونی آنها، معتبر است و از این دید تفاوتی بین سند رسمی و عادی وجود ندارد.
 - ۲- نسبت به اشخاص ثالث: مفاد سند را چنانچه در قانون تصریح شده باشد، حتی به اشخاص ثالث نیز می توان تحلیل نمود و همچنین است تاریخ مندرج در سند رسمی، که نه تنها علیه تنظیم کنندگان و قائم مقام آنها قابلیت استناد دارد بلکه علیه اشخاص ثالث نیز معتبر است. ویژگی های ذکر شده به هیچ عنوان مشمول اسناد عادی نمی شوند.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۷۱. درخواست ارایه سند - سند نزد طرف مقابل باشد - مقرراتی که تمامی اشخاص را در بر میگیرد - در سند ابراز شده به سند معین رجوع شده باشد: سندی که درخواست ابراز آن می شود باید در سندی که طرف مقابل ابراز نموده، به آن رجوع شده و مربوط به دادرسی هم باشد.

- به وجود سند اعتراف شود: هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می تواند آن را از جمله قرائین مثبتة بدانند. (شخصی که به وجود سند نزد خود اعتراف کرده می تواند با اثبات تلف یا عدم دسترسی به سند، از اجرای دستور دادگاه خودداری کند).

- مقررات ویژه ی برخی اشخاص - طرف مقابل بازرگان باشد: اشخاصی که طرف دعوای آنها بازرگان است از امتیاز ویژه ای برخوردارند و آن استناد به دفاتر بازرگانی طرف دعوا برای اثبات ادعایشان است.

* هرگاه بازرگان بودن طرف مقابل محرز باشد و به دفاتر او استناد شود و دادگاه بررسی دفاتر بازرگانی را ممکن التاثر بداند، باید قرار رسیدگی به دفاتر را صادر و وقت آن را تعیین و به طرفین ابلاغ نماید.

* در صورت اثبات عدم دسترسی به دفاتر، ابراز دفاتر منتفی نمی گردد بلکه می تواند به رفع مانع موکول شود.

- طرف مقابل اداره ی دولتی یا ... باشد: چه طرف دعوا باشد چه تحت شرایطی طرف دعوا هم نباشد باید به دستور دادگاه، اسناد را به دادگاه بفرستند

- سند نزد شخص ثالث باشد - شخص ثالث اداره دولتی و ... باشد - ۱- ادارات دولتی یعنی واحدهایی که در داخل وزارتخانه ها تشکیل می شود (چهار دسته از اشخاص حقوقی حقوق عمومی را در بر می گیرد) ۲- بانک ها دولتی (بانک های خصوصی را در بر نمی گیرد) ۳- شهرداری ها ۴- موسساتی که با سرمایه دولت تاسیس و اداره می شوند.

- شخص ثالث سر دفتر اسناد رسمی باشد

- اسناد مورد استناد، اوراق پرونده دیگری باشد: قانونگذار گرفتن رونوشت یا روگرفت از پرونده کیفری را در این خصوص مجاز ندانسته، بلکه دادگاه تنها می تواند پرونده را مطالبه و ملاحظه نماید.

۷۲. قانون تشخیص میزان ارزش و تاثیر سند را در اختیار دادگاه قرار نداده.

۷۳. دفاع ماهوی در مقابل سند: ادعای بطلان معامله موضوع سند، ادعای فسخ معامله ی موضوع سند، ادعای سقوط تعهد موضوع سند و ...

۷۴. منظور از دفاع شکلی در برابر سند، تعرض به اصالت سند است.

۷۵. انواع دفاع شکلی در برابر سند - ۱- انکار: کسی که علیه او سند غیر رسمی ابراز می شود می تواند خط یا مهر یا امضاء یا اثر انگشت متناسب به خود را انکار کند.

۲- تردید: نپذیرفتن تعلق خط یا مهر یا امضاء یا اثر انگشت سند غیر رسمی به منتسب الیه توسط شخص دیگر.

۳- جعل: طرفی که سند رسمی یا عادی، علیه او ابراز گردیده ادعا می نماید که یکی از اعمالی که طبق قانون، جعل شمرده می شود، در سند صورت گرفته.

۷۶. در تکذیب ادعا، مدعی علیه، ادعا را مطابق واقع نمی داند و آن را رد می کند، بنابراین اگر ادعا مستند به دلیل باشد، صرف تکذیب آن اثری ندارد و دادگاه به استناد دلیل، حکم می دهد. اما تکذیب سند عادی دفاعی کارا است، زیرا طرفی را که به سند استناد کرده، ملزم به اثبات اصالت سند می نماید.

۷۷. سکوت در برابر سند نیز در رویه قضایی به پذیرش یا شناخت ضمنی اصالت سند تعبیر می شود.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۷۸. تشابهات انکار و تردید - نوع سند در خور انکار و تردید: تنها نسبت به اسناد عادی پذیرفته می شود.
- زمان انکار و تردید: حتی الامکان باید تا اولین جلسه دادرسی (مقطعی است که از تقدیم دادخواست آغاز شده و به نخستین نوبتی که، در اولین جلسه دادرسی، به طرف مورد نظر، برای ارایه دفاع و پاسخ طرف مقابل، داده می شود ختم می گردد.) به عمل آید.

۷۹. انگیزه استرداد سند نه لازم است اعلام شود و نه تاثیری در این امر دارد.

۸۰. پس از انکار و تردید حتی اگر ارایه کننده ی سند، آن را استرداد ننماید، هرگاه سند در دعوا کارایی نداشته باشد دادگاه نباید وقت خود را در رسیدگی به اصالت آن بیهوده صرف نموده و موجب اطاله دادرسی شود.

۸۱. انکار یا تردید = اظهار / جعل = ادعا

۸۲. هرگاه در جلسه ای که خواهان، سند جدید ارایه می کند، خوانده حاضر نباشد، دادگاه باید جلسه را تجدید نماید و خوانده را از اقامه ی سند جدید آگاه نموده تا بتواند دفاع مناسب را تدارک نماید.

۸۳. هرگاه مدعی جعل، تنها بخشی از سند را مجعول بداند باید آن را مشخص کند.

۸۴. با صدور حکم نهایی کیفری در مورد مجعول بودن سندی دیگر نوبت به طرح ادعای جعل به مفهوم دقیق اصطلاح در مرجع حقوقی، نمی رسد؛ زیرا دادگاه حقوقی مکلف است از حکم دادگاه کیفری درباره ی اصالت یا جعلیت سند پیروی کند.

۸۵. اقسام دعوی حقوقی جعل } * اصلی: تنها یک دعوا اقامه شده و خواسته آن صدور حکم مبنی بر اعلام جعلیت سند مورد نظر می باشد و احکام و پیامدهای این دعوا مشمول قواعد عام است.
* تبعی: هرگاه سندی رسمی یا عادی در دعوایی مورد استناد هر یک از طرفین قرار گیرد و طرف مقابل در مقام دفاع در برابر سند، به اصالت آن در چارچوب ادعای جعل تعرض نماید.

۸۶. انواع ادعای جعل تبعی } * ساده و با تعیین جاعل
- ساده: ادعای جعل تبعی بدون تعیین جاعل.
- با تعیین جاعل: هرگاه هدف مدعی جعل تبعی از ادعای جعل نه تنها از اثبات ادعای جعلی است که در دعوایی علیه او ابراز گردیده بلکه می خواهد فاعل جعل نیز به مجازات برسد، در این صورت جاعل را نیز تعیین می نماید.
* مادی و مفادی (معنوی) } - مادی: ارتکاب هر یک از اعمال تصریح شده در ماده ۵۲۳ ق.م.ا بر روی سند، هم در سند عادی ممکن است هم در سند رسمی. هم می تواند ساده باشد هم با تعیین جاعل
- مفادی (معنوی): ارتکاب هر یک از اعمال تصریح شده در ماده ۵۳۴ ق.م.ا بر روی سند. فقط در سند رسمی ممکن است. هم می تواند ساده باشد هم با تعیین جاعل

۸۷. تفاوت های ادعای جعل با ادعای انکار و تردید } ۱- نوع سند: جعل مادی نسبت به اسناد رسمی و عادی امکان پذیر است ولی انکار و تردید فقط نسبت به اسناد عادی ممکن است.
۲- تکلیف اثبات: در جعل بار اثبات بر روی دوش مدعی جعل است ولی در انکار و تردید بار اثبات بر عهده ارایه کننده سند عادی است.

۸۸. ادعای جعل اگر چه موجب می شود که بار اثبات جعلیت سند به دوش مدعی جعل نهاده شود؛ اما در برابر، این امتیاز را دارد که ابتکار عمل در برگزیدن شیوه ی اثبات جعلیت و دلیل آن را علی القاعده به مدعی جعلیت می دهد.

۸۹. هرگاه سندی از شمار دلایل خارج شود و ادعا مستند به دلیل دیگری نباشد، ادعا به علت نبودن دلیل محکوم به بطلان خواهد گردید و در نتیجه اگر صاحب سند، خواهان باشد در (آن قسمت) دعوا محکوم به بی حقی می شود و اگر خوانده باشد محکوم علیه قرار خواهد گرفت.

۹۰. در ادعای انکار و تردید، حتی اگر اصالت سند اثبات نشود، ابراز کننده نمی تواند تعقیب کیفری شود.

۹۱. در انکار و تردید حتی در صورت عدم اثبات اصالت سند، اصل سند اگر در اختیار دادگاه قرار گرفته باشد به صاحب سند پس داده می شود.

۹۲. وجه تشابه ادعای جعل، انکار و تردید: هر سه، تعرض به اصالت سند و تنها راه های تعرض به اصالت سند می باشند.

۹۳. اگر پس از ادعای جعل نسبت به سند و پیش از رسیدگی به آن، اظهار انکار یا تردید شود؛ در این فرض دادگاه تنها به ادعای جعل رسیدگی می نماید.

۹۴. انکار و تردید پس از رسیدگی به ادعای جعل نیز پذیرفته نمی شود.

۹۵. اگر سندی مورد انکار یا تردید قرار بگیرد و پس از این اظهار و پیش از رسیدگی به اصالت سند، اگر فرصت ادعای جعل وجود داشته باشد، نسبت به آن ادعای جعل شود، دادگاه به ادعای جعل توجه می نماید و انکار و تردید را بی اثر می شمارد.

۹۶. اگر انکار و تردید و ادعای جعل همزمان مطرح شوند، در اینصورت نیز دادگاه باید به طریق اولی تنها به ادعای جعل توجه نماید و انکار و تردید را بی اثر شمارد.

۹۷. پس از تعرض به اصالت سند، دفاع ماهوی در برابر آن شنیده نمی شود.

۹۸. هرگاه نسبت به سند دفاع ماهوی به عمل آید و سپس نسبت به اصالت آن تعرض شود، دادگاه تنها باید به دفاع ماهوی رسیدگی نماید.

۹۹. دادگاه باید در رای صادره، مستنداً علت عدم رسیدگی به اصالت سند که نبودن هر یک از شرایط یاد شده می باشد را اعلام نماید.

۱۰۰. قرار رسیدگی به اصالت سند، از قرارهای اعدادی شمرده می شود.

۱۰۱. راه های تشخیص اصالت سند
۱- تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر: برای تطبیق مفاد سند متنازع فیه با مفاد اسناد دیگر باید اسنادی برگزیده شود که صحت مفاد آن ثابت و یا مورد اعتراف طرفی باشد که به اصالت سند تعرض نموده است.

۲- تحقیق از گواهان: تحقیق از گواهان و آگاهانی که در سند گواهی نوشته و یا امضاء یا مهر شدن سند را دیده اند.

۳- تطبیق خط، امضاء و ... با اسناد مسلم الصدور: سند مسلم الصدور، سندی است که صدور آن مسلم شمرده شده و می تواند اساس تطبیق قرار گیرد.

۴- دقت در خط

۵- استکتاب: هرگاه شخصی که خط و امضا یا مهر یا اثر انگشت سند منسوب به او است، علی رغم دعوت دادگاه، از حضور خودداری نماید و یا حاضر شود اما از کتابت یا ... خودداری نماید، دادگاه می تواند این امر را قرینه ی عدم اصالت سند قرار دهد.

۱۰۲. در تطبیق خط و امضا و ... با اسناد مسلم الصدور باید ۳ نکته مورد توجه قرار گیرد

- ۱- اسناد مسلم الصدور
- سند مورد توافق طرفین
 - سند عادی اقامه شده که مورد تعرض قرار نگرفته
 - اسناد رسمی: سند رسمی، جز در مواردی که مجعولیت آن اثبات شده، می تواند اساس تطبیق قرار گیرد.
 - سایر اسناد: مثل خط و امضا کارمند دولت در درخواست مرخصی او
 - سند عادی ابراز نشده: سند عادی که قبلاً در دعوی مورد استناد قرار نگرفته در صورتی می تواند اساس تطبیق قرار گیرد که متسبب الیه یا قبلاً به طریق صحت خط یا ... آن را پذیرفته باشد و یا بر اساس تطبیق قرار گرفتن آن صریحاً یا تلویحاً موافقت نماید.

۲- محل تطبیق: هرگاه برگ ها و نوشته ها در یکی از ادارات یا ... موجود باشد و آوردن آنها به محل تطبیق شدنی نباشد، به موجب قرار دادگاه، شخصی که باید تطبیق را انجام دهد (دادرس یا کارشناس) به محل مراجعه و عمل تطبیق را در محل انجام میدهد. اما در صورتی که دارنده ی برگ ها و نوشته ها در محل یا شهر دیگری اقامت داشته باشد، دادگاه از طریق نیابت قضایی اقدام می کند.

۳- شخص صالح (کسی که تطبیق را انجام می دهد)

۱۰۳. هرگاه رای دادگاه در دعوی مطروحه شکایت پذیر باشد، شکایت کننده از رای می تواند تصمیم دادگاه درباره ی اصالت سند را نیز مورد شکایت قرار دهد.

۱۰۴. رسیدگی به جنبه ی کیفری جعل در دادگاهی که به دعوی حقوقی رسیدگی می کند، مستلزم تعیین جاعل است.

۱۰۵. رسیدگی به جنبه کیفری جعل مستلزم ثبت کیفری شکایت و واگذاری (ارجاع) آن به شعبه حقوقی است که به دعوی حقوقی رسیدگی می نماید و ادعای جعل در آن مطرح شده است.

۱۰۶. قاعده تفوق حکم کیفری بر حقوقی: آنچه بر حکم حقوقی تفوق دارد حکم قطعی کیفری است و قرارهای کیفری (برای نمونه قرار منع پیگرد و یا موقوفی پیگرد) بر حکم حقوقی تفوق ندارند.

۱۰۷. در رسیدگی به جعل مفادی، دادگاه باید سایر راه ها به ویژه تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر و تحقیق از گواهان و آگاهان را مورد توجه قرار دهد.

۱۰۸. تفاوت گواهی (شهادت) و کارشناسی: گواهی، خبر دادن فرد نزد مرجع قضاوتی از دیده ها و شنیده ها یا سایر آگاهی هایی است که به صورت اتفاقی یا به درخواست یکی از اصحاب دعوا از موضوعی پیدا کرده است ولی کارشناس محسوسات خود را با دخالت دادن تخصص خود و نتیجه گیری از آنها ارایه می نماید.

۱۰۹. شیوه های مختلف گواهی

- ۱- گواهی مستقیم (اصلی): اخبار از دیده ها و شنیده ها و یا سایر محسوسات مستقیم و بی واسطه ی گواه از امر مورد اختلاف است.
- ۲- گواهی غیر مستقیم (گواهی بر گواهی): گواهی کسی است که خود، امر مورد اختلاف را مستقیماً ندیده، شنیده و به گونه ی دیگر نیز مستقیماً حس نکرده است بلکه دیده ها و شنیده ها یا سایر محسوسات کسی را بازگو می نماید که او خود بر امر مورد اختلاف مستقیماً گواه بوده است.
- ۳- اعلام آگاهی ها در تحقیق محلی (استفاضه): اعلام کننده در این حالت، تنها بازتاب دهنده ی زمزمه هایی است که دهن به دهن بازگو می شود، بی آنکه درستی آنها را تضمین کند.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۱۰. تفاوت تحقیق محلی با گواهی بر گواهی: در تحقیق محلی، گواه اظهارات اشخاص معمولاً نامعلومی را که در افکار عمومی محل جریان دارد بازگو می نماید؛ ولی گواه بر گواه، گواهی شخص معینی را بازگو می کند.

۱۱۱. سند، اقرار و سوگند معمولاً از مدعی علیه صادر شده و اراده ی او در ایجاد آنها نقش اساسی دارد.

۱۱۲. اگر گواه یا گواهان معرفی شده تمامی شرایط مقرر قانونی را داشته و تعداد و جنسیت آنها به ترتیب مقرر قانونی باشد و شرایط گواهی نیز حاصل باشد، گواهی، به عنوان دلیل شرعی به دادگاه تحمیل می شود و دادگاه مکلف است بر پایه ی گواهی اقدام به صدور رای نماید.

۱۱۳. در صورتی که گواه یا گواهان برخی شرایط مقرر قانونی را نداشته و یا تعداد و یا جنسیت آنها به ترتیب مقرر قانونی نباشد، گواهی، ارزش دلیل را ندارد و اماره ای است که تشخیص ارزش و تاثیر آن با دادگاه است.

۱۱۴. شرایط گواه } ۱- شرایطی که ضامن درک درست و ضبط کامل گواه است - بلوغ: اهلیت برای ادای گواهی، در حال حاضر ۱۵ سال تمام شمسی برای دختر و پسر است.
- عقل: دکتر امامی عقل را در مفهومی چندان وسیع تفسیر نموده اند که حتی «قوت حافظه» را نیز در بر می گیرد.

۲- شرایطی که ضامن شایستگی معنوی و راستگویی گواه است } - ایمان: گواهی غیر مسلم علیه مسلم و یا پیروان هر یک از ادیان رسمی، دلیل شرعی محسوب نمی شود و فقط در حکم اماره قضایی است.
- عدالت: تنها نبودن سابقه فسق در گواه و عدم اشتها او به فساد کافی است.

۳- شرایطی که ضامن دور ماندن از اتهام است } - نداشتن نفع شخصی در دعوا: صرف اینکه گواه، وارث بالقوه طرفی است که به سود او گواهی می دهد، داشتن نفع شخصی در دعوا شمرده نمی شود.
- نبودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط: هرگاه دعوی حقوقی یا جزایی بین گواه و طرفی که علیه او گواهی داده می شود در جریان باشد و یا در گذشته در جریان بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی در آنها دو سال نگذشته باشد.
- اشتغال نداشتن به تکدی و ولگردی

۴- سایر شرایط } - طهارت مولد
- بررسی لزوم نداشتن رابطه ی خویشاوندی گواه با یکی از اصحاب دعوا: اگر چه وجود رابطه ی خویشاوندی از موارد جرح نمی باشد؛ اما وجود این رابطه می تواند در ارزش و تاثیر گواهی که تشخیص آن با دادگاه است کارا و موثر باشد.
- بررسی لزوم نبودن سمت خادم و مخدومی

۱۱۵. شرایط گواهی } ۱- شرایط ماهوی } ۱- قطع و یقین در گواهی: کسی که بر تصرف، غضب یا اتلاف، گواهی می دهد باید آن را دیده باشد و کسی که بر اجرای صیغه طلاق گواهی می دهد باید آن را شنیده باشد و کسی که بر وجود دسته هایی به قطع اسکناس در داخل کیسه ای گواهی می دهد باید آن را لمس کرده باشد.
۲- مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا: برای اینکه موضوع گواهی با موضوع ادعا مطابق باشد کافی است که در معنا موفق باشند حتی اگر در لفظ مخالف باشند.
۳- اتحاد مفاد گواهی گواهان: در صورتی که از مفاد اظهارات شهود قدر متیقنی به دست آید، در همان حد معتبر است.
- شرایط شکلی: اخبار می تواند کتبی و یا شفاهی باشد و اگر کتبی باشد، سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت نامه دارد.

۱۱۶. تشخیص ارزش و تاثیر گواهی مخالف سند رسمی با دادگاه است.

۱۱۷. در جایی که قانونگذار اثبات ادعا را تنها با سند رسمی مجاز دانسته است، سند عادی و گواهی، هیچ یک، در این خصوص، توان اثباتی ندارند.

۱۱۸. تمامی دعاوی مالی و غیر مالی، جز در موارد خاص با گواهی درخور اثبات می باشند.

۱۱۹. حد نصاب گواهی در اثبات دعاوی به عنوان دلیل شرعی

۱- با گواهی دو مرد: اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق، دعاوی غیر مالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت و وصیت
* البته بلوغ در دختران با گواهی چهار زن یا یک مرد و دو زن نیز اثبات می شود.

۲- با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن } - اصل نکاح: شیوه اثبات نوع نکاح (دایم یا موقت)، مشمول این نص نمی شود
- دعاوی مالی: از قبیل دین، ثمن مبیع، وقف، اجاره، غصب، جنایات خطایی و شبه عمد موجب دیه

۳- با گواهی چهار زن یا دو مرد یا یک مرد و دو زن: دعاوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است. از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان

۴- ترکیب گواهی و سوگند: در دعاوی مالی وقتی برای خواهان امکان اقامه بینه ی شرعی نباشد می تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو گواه زن به ضمیمه سوگند (سوگند تکمیلی)، ادعای خود را اثبات کند.

۱۲۰. گواه عادی: گواهی است که یا تمام شرایط و یا جنسیت و یا تعداد آن به ترتیب مقرر در قانون نباشد و بنابراین دلیل شرعی به شمار نمی رود و اماره شمرده می شود.

۱۲۱. ادعاهای درخور اثبات با گواهی،

۱- تقویت، تکمیل یا جایگزینی دلیل دیگر: مثل زمانی که دلیلی بر اصل دعوا موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد و یا هرگاه سند به واسطه ی حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.
۲- مواردی که گرفتن سند عادتاً باب نیست: مثل اموالی که اشخاص در مهمان خانه ها و قهوه خانه ها و کاروان سراها و نمایشگاه ها می سپارند.

۳- اموری که داخل در عقود و ایقاعات نمی باشد: پذیرفته شدن گواهی در وقایعی از قبیل (ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشند) به علت غیرمنتظره بودن وقایع مزبور است.

۱۲۲. جرح: عبارت است از ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه ی طرفین دعوا صورت می گیرد.

۱۲۳. دسته ای از شرایط گواه را دادگاه باید احراز کند، حتی اگر گواه جرح نشود. مثل: رسیدن به سن پانزده سالگی، ایمان و عدالت

۱۲۴. دسته ای از شرایط گواه اگر دلیلی خلاف آن وجود نداشته باشد، از دید دادگاه محرز شمرده می شود. مثل: عقل و بلوغ (در اشخاص ۱۵ سال به بالا)، نداشتن انتفاع شخصی و ...

۱۲۵. طرف دعوا می تواند برای جرح گواه مهلت بخواهد، در این صورت دادگاه حداکثر به مدت یک هفته به او مهلت می دهد.

۱۲۶. نبودن شرایطی مانند ایمان و طهارت مولد، گواهی را بی اعتبار نمی نماید؛ اما تشخیص ارزش و تاثیر آن با دادگاه است. (از دلیل شرعی تبدیل به اماره ی قضایی می کند).

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۲۷. هرگاه به گواهی استناد شده باشد و دادگاه آن را در دعوا موثر بداند، بر پایه ی رویه ی عملی، قرار استماع گواهی گواهان صادر و اگر گواه در جلسه دادرسی حاضر نباشد جلسه تجدید می شود.

۱۲۸. در امور حقوقی جلب گواه پیش بینی نشده است ولی در امور کیفری جلب شهود تحقیق (گواه) مجاز است.

۱۲۹. استماع گواه، مستلزم استناد مدعی به گواهی است.

۱۳۰. هرگاه گواه عادل بوده و شرایط دیگر را نیز داشته باشد، گواهی بدون سوگند او شنیده شده و دارای توان اثباتی گواهی با سوگند است.

۱۳۱. مهمترین اثر حقوقی گواهی معتبر، توان اثباتی آن است و گواهی دروغ نزد مقامات رسمی در امور کیفری، جرم شمرده می شود.

۱۳۲. در امور حقوقی اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه بیان کننده گواهی کذب و حتی طرفی که از آن گواهی سود جسته امکان پذیر است.

۱۳۳. رجوع از گواهی نباید در اثر اکراه باشد؛ در غیر اینصورت با اثبات این امر، رجوع معتبر نخواهد بود.

۱۳۴. سوگند: اخباری تشریفاتی است که به موجب آن، خداوند متعال یا سایر مقدسات را بر راستی اظهار یا پابرجا ماندن بر عهد خود گواه می گیرد.

۱۳۵. اقسام سوگند - عهدی: پیوند مستقیمی با ادله اثبات دعوا ندارد و به موجب آن شخص عهد می نماید که ماموریت یا اقدامی را با شرایط مشخصی به گونه ی شایسته انجام

دهد. مثل: سوگند رئیس جمهور یا نمایندگان مجلس

- اثباتی (قضایی): سوگندی که در چارچوب قانون، ادعا را اثبات می نماید و چون به هر روی، نزد دادرس باید ادا شود به آن سوگند قضایی گفته می شود.

* اقسام سوگند اثباتی

۱- سوگند قاطع دعوا (بَتّی): با سوگند تنها، یا ادعا محکوم به رد و یا ادعا اثبات می شود.

۲- سوگند تکمیلی: مکمل دلیل ناقص دیگری است.

۳- سوگند استظهاری: علاوه بر دلیل کامل، در دعوی علیه میت باید ادا شود.

۱۳۶. در آن دسته از دعاوی که با گواهی در خور اثبات نیستند (مثل دعاوی که تنها با سند رسمی اثبات می شوند)، صدور قرار اتیان سوگند منتفی است.

۱۳۷. شرایط یاد کردن (اتیان) سوگند بتّی - شرایط ماهوی

۱- ادعا بدون دلیل باشد: هرگاه در اثبات ادعا دلیلی ارایه شده باشد، مدعی علیه نمی تواند برای رد ادعا، درخواست سوگند نماید.

۲- ادعا به شخص ادا کننده ی سوگند منتسب باشد: سوگند قابل توکیل نیست ولی تقاضای اتیان سوگند قابل توکیل است.

۳- امر از اموری باشد که می تواند موضوع سوگند واقع شود: در حدود شرعی حق سوگند نیست.

۴- کسی که سوگند یاد می کند، شرایط قانونی لازم را داشته باشد: بالغ / عاقل / قاصد / مختار

- شرایط شکلی

۱- درخواست سوگند - درخواست کننده: قرار اتیان سوگند در صورتی صادر می شود که مدعی درخواست نماید.

- چهره ی درخواست: می تواند کتبی یا شفاهی باشد.

- زمان درخواست: تا پایان دادرسی قابل طرح است.

- محتوای درخواست

۲- قرار اتیان سوگند: این قرار از قرارهای اعدادی یا مقدماتی است.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۳۸. مدعی علیه می تواند از ادای سوگند خودداری کند و سوگند را به مدعی واگذار نماید؛ در اینصورت اگر مدعی سوگند یاد نماید ادعای او ثابت می شود و اگر نکول (خودداری) کند، ادعای او ساقط می شود.

۱۳۹. پس از آنکه مدعی علیه سوگند را به خود مدعی رد نماید، مدعی نمی تواند سوگند را باز به او برگرداند.

۱۴۰. انواع نکول - مطلق: دادگاه سه بار به مدعی علیه اخطار می نماید که سوگند ادا و یا آن را به مدعی رد نماید، در غیر اینصورت ناکل (به طور مطلق) شناخته خواهد شد. - به علت عدم اعتقاد به خداوند: از پیروان باورهای دیگر با توجه به ملیت آنها، سوگند به نیروی ماوراءالطبیعه ای که نزد آنها مقدس است، پذیرفته می شود.

۱۴۱. هرگاه شخصی که باید سوگند یاد کند بدون عذر موجه حاضر نشود، این امر نکول شمرده می شود.

۱۴۲. اگر کسی که باید سوگند یاد کند برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد، دادگاه می تواند به اندازه ای که موجب ضرر طرف نشود به او یک بار مهلت بدهد.

۱۴۳. دادگاه علی القاعده نمی تواند جلسه ای را که در آن قرار صادر کرده، برای ادای سوگند تجدید کند مگر طرفی که باید سوگند یاد نماید در جلسه حضور نداشته و یا درخواست مهلت کند.

۱۴۴. جلسه ی ادای سوگند، حتی خارج از دادگاه، باید تشکیل شده و طرفین دعوت شوند.

۱۴۵. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده، تشریفات خاص یا تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد، ناکل محسوب نمی شود.

۱۴۶. اگر موضوع سوگند به گونه ای باشد که تمام امور موضوعی دعوا را در بر گیرد، بر پایه ی آن حکم صادر می شود؛ اما اگر بخشی از امور موضوعی را در برگیرد تنها همان بخش را قطع می نماید.

۱۴۷. هرگاه پس از ادای سوگند، طرف مقابل دلیلی به دادگاه ابراز نماید که منافی با سوگند باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد؛ همچنین حکم مستند به سوگند قابل تجدید نظر خواهی می باشد، اما در مرحله تجدیدنظر نیز اظهار منافی با سوگند پذیرفته نمی شود.

۱۴۸. یاد کردن سوگند دروغ می تواند از مصادیق «حیله و تقلب» باشد و به همین خاطر از جهات اعاده دادرسی شمرده می شود.

۱۴۹. هرگاه نسبت به اصل تضامن بین متعهدله و ضامن اختلاف و ادعای تضامن با سوگند ساقط یا ثابت شود، این سوگند نسبت به متعهد اصلی پیامدی ندارد.

۱۵۰. در سوگند تکمیلی باید همواره مدعی (یعنی طرفی که ادعایی مطرح نموده و دلیل ناقصی ارائه کرده) آن را ادا کند؛ به همین علت، سوگند تکمیلی را نمی توان به مدعی علیه رد کرد.

۱۵۱. دعاوی مالی که به هر علت و سببی به ذمه تعلق می گیرند درخور اثبات به کمک سوگند تکمیلی می باشند.

۱۵۲. هرگاه در مرحله ی نخستین سوگند ادا شده باشد، علی القاعده ادای آن در مرحله تجدیدنظر منتفی می باشد مگر اینکه نسبت به موضوع سوگند، کیفیت ادای آن و یا ... در مرحله تجدیدنظر شکایت شده باشد.

۱۵۳. سوگند استظهاری در موردی که مدرک دعوا سند رسمی است، موضوعیت ندارد.

۱۵۴. سوگند استظهاری از یک سو تنها در «دعوا علیه مرده» ادا می شود و از سوی دیگر ادای آن مستلزم درخواست نمی باشد، بلکه دادگاه راساً واگذار می نماید.

۱۵۵. تفاوت و شباهت سوگند استظهاری و سوگند تکمیلی - تفاوت: سوگند استظهاری برخلاف سوگند تکمیلی که برای تکمیل دلیل ناقص ادا می شود، در حالی ادا می شود که دلیل مدعی از حیث قواعد عمومی ادله، ناقص نمی باشد.
- شباهت: ادای هر دو سوگند توسط مدعی بوده و امکان رد آن به مدعی علیه وجود ندارد.

۱۵۶. هر گاه ادعای بر مرده مستند به سندی رسمی باشد که توان اثبات وجود حق و بقای آن را دارد، سوگند استظهاری منتفی و در غیر اینصورت لازم است.

۱۵۷. قرار اتیان سوگند استظهاری راساً از سوی دادگاه صادر می شود و بنابراین نیازی به درخواست مدعی علیه و یا خود مدعی نمی باشد.

۱۵۸. اجزای اقرار (۱- اخیار: اقرار می تواند کتبی یا شفاهی باشد و در اینکه اخیار می تواند به صورتی غیر از گفته یا نوشته انجام شود، اختلاف نظر وجود دارد.

۲- حق: اخیار در صورتی می تواند علیه فاعل آن «اقرار» شمرده شود که از جمله نسبت به مسائل موضوعی باشد نه حکمی (قانونی).

۳- برای غیر

۴- بر ضرر خود: گاه اقرار در ظاهر به زیان مُقر و در حقیقت به زیان دیگری است؛ در این صورت اقرار کامل شمرده نمی شود.

۱۵۹. اقرار کننده باید عاقل و بالغ و قاصد و مختار باشد.

۱۶۰. اقرار صغیر ممیز در امور غیر مالی و نیز در امور مالی که به اذن ولی انجام می دهد، کارایی دارد.

۱۶۱. اقرار سفیه در امور مالی غیر موثر، اما در غیر مالی (مانند طلاق و نکاح و نسب) کارایی دارد؛ هر چند دارای پیامد های مالی باشد.

۱۶۲. شرایط مقرّله (۱- باید موجود باشد: اقرار به نفع متوفاً درباره ی ورثه او موثر خواهد بود.

۲- باید اهلیت تمتع داشته باشد: اهلیت استیفاء شرط نیست

۳- باید معلوم باشد: اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین، صحیح است؛ اما در اثبات ادعای مدعی اثری ندارد و دادگاه نمی تواند بر پایه ی آن حکم به نفع خواهان صادر کند، مگر اینکه دلایل و قراینی ارایه شود که حال نمی تواند متعلق به شخص معین دیگر باشد.

۱۶۳. اقرار از این نظر حجّت و دلیل است که کاشف از واقع می باشد. بنابراین هر گاه اخیار به امری شود که عقلاً یا عادتاً شدنی نباشد، اخیار مزبور نمی تواند تشکیل دهنده ی اقرار صحیح باشد و اثری ندارد. مثل: مرد ۲۵ ساله ای اقرار کند که پدر فرد ۴۰ ساله ای است.

۱۶۴. مقرّبه (آنچه به آن اقرار می شود) نباید به کلی مجهول باشد. بنابراین هر گاه مقرّبه فی الجمله معلوم باشد و بتوان قدر متیقّتی به دست آورد، اقرار نسبت به آن «قدر» معتبر است.

۱۶۵. اگر اقرار به اصل موضوع ادعای رقیب باشد، اقرار قاطع و هر گاه برخی عناصر ادعا را در برگیرد، اقرار غیر قاطع است. اقرار غیر قاطع «اقرار به مقدمات دعوا» نیز خوانده می شود.

۱۶۶. اقرار قاطع و غیر قاطع می تواند در دادگاه، در خارج از دادگاه، شفاهی، کتبی، صریح، ضمنی و ... باشد.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۶۷. اقسام اقرار
- نوع اول - قاطع
 - غیر قاطع
 - نوع دوم - صریح: مُقر صریحاً امری را می پذیرد.
 - ضمنی: کردار، رفتار یا گفتار شخص به کیفیتی است که با پذیرش امری ملازمه دارد.
 - نوع سوم - در دادگاه (قضایی)
 - در خارج از دادگاه (غیر قضایی): اقرار شفاهی خارج از دادگاه، علی القاعده با گواهی گواهان در خور اثبات است. همچنین احکام مستند به اقرار خارج از دادگاه، قابل تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی هستند.
 - نوع چهارم - کتبی
 - شفاهی
 - نوع پنجم - ساده: اخبار به همان امری است که مدعی ادعا می نماید. مثل: خودرو را به امانت گرفتم
 - موصوف و مقید: مقر امر مورد ادعای مدعی را می پذیرد اما آن را مقید به قید یا موصوف به وصفی می نماید. مثل: خودرو را برای استفاده به امانت گرفتم (مقید)/ خودروی معیوب را به امانت گرفتم (موصوف)
 - * اقرار مقید و موصوف را علی القاعده نمی توان تجزیه کرد.
 - مرکب: مقر ضمن پذیرش امر مورد ادعای رقیب، بر امر جنی و مجزایی تاکید می کند که پیامد اقرار را به علت پیوند تامی که با آن دارد، به سود مقر، از بین می برد. مثل: خودرو را به امانت گرفتم ولی آن را مسترد کردم.

۱۶۸. توان اثباتی اقرار تنها در پیوند با امور موضوعی است و اقرار به امور حکمی، دادگاه را مأخوذ نمی نماید.

۱۶۹. در مورد نفوذ اقرار ولی قهری نسبت به مولی علیه اتفاق نظر وجود ندارد.

۱۷۰. نه تنها امکان اثبات کذب اقرار وجود دارد، بلکه ادعای فساد و ... اقرار نیز شنیده می شود.

۱۷۱. تفاوت کذب بودن اقرار و فاسد بودن آن - کذب بودن اقرار: به معنای آن است که اقرار شرایط لازم را دارد اما اخبار انجام شده منطبق با واقع نیست.

- فاسد بودن اقرار: یعنی اقرار دارای شرایط اساسی نمی باشد. مثلاً وقتی اثبات شود که اقرار در حالت اکراه انجام شده، پیامد اقرار از بین می رود چون یکی از شرایط اساسی اقرار، مختار بودن مُقر بوده است.

۱۷۲. اقرار در صورتی مبنی بر اشتباه است که شخص، امر غیر واقعی را واقعی شمارد و بر پایه ی آن به امری اخبار نماید. مثل: فرد، حیوان مرده ای را زنده انگاشته و اقرار به کشتن آن نماید.

۱۷۳. اشتباه مقر نسبت به امور حکمی که سبب اقرار او شده باشد، حتی اگر ثابت شود، پیامد اقرار را از بین نمی برد زیرا تلقی اشخاص از امور حکمی (بودن یا نبودن قانون)، در واقعیت این امور بی اثر است.

۱۷۴. شخصی که اقرار می نماید معمولاً علاوه بر اخبار به امری که به نفع طرف مقابل است، اخبار خود را با اوصاف و قید و حتی اخبارهای دیگری همراه می نماید که پیامد اقرار را محدود نموده و یا از بین می برد.

۱۷۵. نمی تواند موصوف را از صفت و قید را از مقید جدا نمود؛ بنابراین مقرّله یا باید اقرار موصوف و مقید را به همان نحو بپذیرد و یا از اقرار استفاده ننماید و دلیل دیگری برای ادعای خود بیاورد.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۷۶. مقررّه می تواند با ارایه دلیل، عدم صحت آن بخش از اقرار را که به ضرر اوست، اثبات نماید.
۱۷۷. اقرار مقید و موصوف در خور تجزیه نبوده ولی اقرار مرکب که دارای دو جزء مختلف الاثر باشد، در خور تجزیه می باشد.
۱۷۸. طرفی که می خواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار را در صورت مجلس قید کند.
۱۷۹. تشخیص مسائل موضوعی با دادگاه و اثبات مسائل موضوعی با اصحاب دعوا می باشد.
۱۸۰. هر گاه دادگاه وجود جنبه ی فنی و تخصصی موضوع را احراز نمود، واگذاری (ارجاع) امر به کارشناس منطقاً لازم می شود.
۱۸۱. ارزیابی دانش قضایی دادرس، نوعی می باشد نه شخصی. مثال: در دعوی مطالبه ی اجرت المثل یک دستگاه مولد برق، اگر دادرس دادگاهی که به دعوا رسیدگی می نماید، علاوه بر دانش قضایی، متخصص این گونه دستگاه ها بوده و بتواند اجرت المثل دستگاه را با توجه به مشخصات آن برآورد نماید، ناچار است مانند دادرسان دیگر، امر را به کارشناس واگذار (ارجاع) نماید.
۱۸۲. تشخیص قضایی (مثل تشخیص معیار کالاهای لوکس و تجملی) را نمی شود به کارشناس واگذار کرد زیرا در این حالت دادگاه صلاحیت و اقتدار قضاوت خود را، که ویژه دادگاه است، با نمایندگی، به کارشناس می دهد که از جهات مهم فسخ و نقض رای به شمار می رود.
۱۸۳. در عمل گزینش بیش از یک کارشناس (هیئت کارشناسان) در مواردی است که دادگاه نظریه ی کارشناس را مردود اعلام نموده و دستور کارشناسی دوباره صادر می نماید.
۱۸۴. کارشناس منتخب دادگاه علی القاعده باید کارشناس رسمی دادگستری باشد، مگر
- ۱- گزینش خبره در مواردی که در فن یا محل معینی کارشناس رسمی نباشد.
- ۲- حق اصحاب دعوا در گزینش کارشناس مرضی الطرفین
۱۸۵. دادگاه معمولاً دستمزد کارشناس را به صورت «علی الحساب» تعیین می نماید و پرداخت حق الزحمه ی آنها علی القاعده به عهده ی اصحاب دعوا می باشد.
۱۸۶. دادگاه پس از انجام کارشناسی و تسلیم نظر کارشناس و گذشتن مدت اعتراض، دستور پرداخت دستمزد سپرده شده، به کارشناس را صادر می نمایند.
۱۸۷. نسیپردن دستمزد کارشناس در مرحله تجدید نظر خواهی از سوی تجدیدنظر خواه در موردی که دادگاه نتواند بدون انجام کارشناسی حتی با سوگند، انشای رای نماید، موجب توقیف تجدید نظر خواهی می شود، بی آنکه این توقیف مانع اجرای حکم نخستین شود.
۱۸۸. هر گاه کارشناسی به درخواست هر یک از طرفین باشد و معترض نیز خود او باشد، در صورت خودداری از سپردن دستمزد، بر پایه ی نظر کارشناس پیشین که بتوان از آن پیروی نمود، اقدام و اگر نتوان پیروی نمود، کارشناسی از عداد دلایل او خارج می شود.
۱۸۹. موارد معذور بودن کارشناس همان موارد معذور بودن دادرس است.
۱۹۰. فراهم آوردن وسایل اجرای قرار (مانند معرفی ملک موضوع کارشناسی، همراهی کردن کارشناس تا محل) با همان طرف یا طرف هایی است که عهده دار سپردن دستمزد کارشناس می باشند.
۱۹۱. تشکیل جلسه برای تنظیم نظریه، در صورتی است که تمامی کارشناسان، حاضر به امضای نظر کارشناسی نباشند؛ زیرا از این راه خودداری احتمالی کارشناس از اظهار نظر یا امضای رای مشخص می شود.

نکات ادله اثبات دعوا - دکتر شمس

۱۹۲. کارشناس تنها می تواند جنبه ی موضوعی اقدامات خود را اعلام نماید (برای نمونه، رطوبت دیوار ناشی از نشت آب از باغچه همسایه است) و حق اظهارنظر نسبت به جنبه ی حکمی (قانونی) قضیه (همسایه مسئول پرداخت خسارت است) که وظیفه دادرس است، ندارد.
۱۹۳. تفاوت شاهد و کارشناس: شاهد تنها محسوسات خود را اعلام می دارد و نتیجه گیری نمی کند زیرا استنتاج حتی موضوعی از آنها با دادگاه است؛ در حالی که کارشناس اگر چه نمی تواند از کاوش ها، تحقیقات و تصدیقات خود، نتیجه حکمی (قانونی) بگیرد، اما باید نتیجه گیری موضوعی نموده و آن را مستقلاً اعلام نماید.
۱۹۴. کارشناس باید نسخه ای از نظر خود را دست کم تا مدت ۵ سال از تاریخ تسلیم، نزد خود نگه دارد.
۱۹۵. اعتراض به نظر کارشناس حق طرفین است که می توانند اعمال نمایند، اگر چه کارشناس با تراضی گزینش شده باشد.
۱۹۶. اگر اعتراض ناشی از ابهام نظر و یا نقص کاوش ها و تحقیقات کارشناس باشد، با گرفتن توضیح از کارشناس و یا تکمیل آن، مورد اعتراض بر طرف می شود.
۱۹۷. تعیین جلسه دادرسی و دعوت اصحاب دعوا برای شنیدن توضیح کارشناس الزامی نیست؛ کارشناسی که علیرغم دعوت صحیح برای ادای توضیح، حاضر نمی شود، جلب میشود.
۱۹۸. در صورتی که در نظر کارشناس حداکثر و حداقلی تعیین شده باشد، باید قدر متیقن (حداقل) مورد توجه قرار گیرد.
۱۹۹. هرگاه کارشناس اقدام به انجام کارشناسی نموده و به علت یا دلیلی که از اختیار وی خارج بوده اجرای کارشناسی منتفی شود، محق به دریافت دستمزد متناسب با کارهای انجام شده و در صورت عزیمت به خارج از حوزه ی فعالیت و محل اقامت خود، هزینه سفر و ... می باشد.
۲۰۰. قرار تحقیق محلی معمولاً همراه با قرار معاینه محل، صادر می شود.
۲۰۱. آگاهی های به دست آمده از معاینه ی محل از امارات قضایی شمرده می شود و تاب ایستادگی در برابر دلیل را ندارد.
۲۰۲. اثبات خلاف صورت مجلس معاینه ی محل با هر دلیلی درخور اثبات است؛ حتی اگر طرفی که ادعای خلاف صورت مجلس را می نماید، در جلسه ی معاینه حضور داشته و ادعایی در این خصوص نکرده باشد.
۲۰۳. استفاضه: اطلاعات اهل محل را در حقوق اسلام، می گویند.
۲۰۴. تفاوت بین آگاهی های اهل محل و گواهی: گواه خود مستقیماً شاهد رویداد یا حالت مورد ادعا بوده و یا مستقیماً سخن مورد ادعا را شنیده است؛ در حالی که در آگاهی های اهل محل، اشخاصی که از آنها تحقیق می شود دانستنی های خود را از مجموعه ی دیده ها و شنیده های مستقیم و غیر مستقیم و برداشت های خود بیان می دارند، بی آنکه لازم باشد مآخذ آنها را ذکر نمایند.
۲۰۵. مُطَّلَع: اشخاصی را که در جریان اجرای تحقیق محلی از آنها تحقیق می شود.
۲۰۶. درخواست هر یک از اصحاب دعوا دادگاه را مکلف به صدور قرار تحقیق محلی نمی نماید و دادگاه می تواند هرگاه تحقیق محلی در احراز موضوع کارای نداشته باشد، به درخواست، بهایی ندهد.
۲۰۷. هرگاه به علت فراهم نیامدن وسیله، قرار تحقیق محلی را نتوان اجرا کرد و دادگاه بدون تحقیق محلی نتواند انشای رای نماید، اگر در مرحله ی نخستین باشد، دادخواست نخستین ابطال و اگر در مرحله ی تجدیدنظر باشد، تجدیدنظر خواهی متوقف می شود، ولی مانع اجرای حکم مرحله ی نخستین نخواهد بود.
۲۰۸. اجرای قرار تحقیق محلی نیز بدون حضور اصحاب دعوا، اگر وقت اجرای آن صحیحاً ابلاغ و وسیله ی اجرای آن فراهم شده باشد، امکان پذیر است.

۲۰۹. مامور مجری قرار تحقیق محلی باید آگاهی های آگاهان معرفی شده را در صورت جلسه قید نماید و نمی تواند به سبب تکمیل تحقیقات و بی نیازی از آگاهی های دیگران، از تحقیق از آنها خودداری کند.

۲۱۰. تحقیقات از آگاهان در برگ های ویژه ی استماع گواهی گواهان تنظیم شده و به امضای آنان می رسد.

۲۱۱. اجرای قرار معاینه ی محل یا تحقیق محلی از سوی کارمند غیر قضایی، مجاز نمی باشد.

۲۱۲. در امارات، اموری که مبنا قرار می گیرند گاه امر مورد ادعا را عقلاً ایجاد می نمایند، گاه با وجود آن ملازمه دارند و گاه از پیامد های آن می باشند.

۲۱۳. امارات قانونی با جا به جا کردن موضوع دلیل، تنها بار دلیل را سبک می نمایند.

۲۱۴. امارات قانونی به دادرس تحمیل می شوند؛ بدین معنا که حتی اگر اماره ی قانونی وجدان او را اقناع ننماید ملزم است برابر آن رای صادر کند.

۲۱۵. امارات قانونی در کلیه ی دعوی معتبر است مگر آنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد.

۲۱۶. برای بی اثر شدن اماره ی قانونی، اماره ی قضایی کافی است و لازم نیست دلایلی مانند اقرار، سند یا گواهی وجود داشته باشد.

۲۱۷. اماره ی قانونی مبتنی بر ظن نوعی است اما اماره ی قضایی وجدان دادرس را اقناع می نماید.

۲۱۸. تمامی امارات قانونی، نسبی می باشند. اماره ی قانونی مطلق اماره ای است که اثبات خلاف آن مجاز نمی باشد، بر خلاف امارات نسبی که اثبات خلاف آن شدنی است.

۲۱۹. امارات قضایی را قانون تاسیس ننموده بلکه به صلاحدید دادرس واگذار شده اند.

۲۲۰. اعتبار اماره ی قضایی مبتنی بر اطمینان نسبی است؛ از این رو دادرس می تواند از «نشانی» اقناع وجدان یابد که در دادرسان دیگر چنین اثری نداشته است؛ بی آنکه لازم باشد علت آن را اعلام نماید.

۲۲۱. «قراین مثبته» ذکر شده در قانون، همان امارات قضایی می باشند.

۲۲۲. اماره ی قانونی مبتنی بر ظن نوعی و اماره ی قضایی مبتنی بر ظن شخصی است.

۲۲۳. با وجود دلیل دیگر در پرونده، نوبت به اماره (اعم از قانونی و قضایی) نمی رسد.

۲۲۴. فرض قانونی: یعنی فرض کردن چیزی برخلاف واقعیت از سوی قانونگذار. مثل: «دیون مؤجل متوفا بعد از فوت حال می شود» زیرا «حال شدن دین» منوط به گذشت مدت است و اینکه مرگ بدهکار، دین مؤجل را حال نماید، «دروغی» بیش نیست.

۲۲۵. قاعده حقوقی: قاعده ی رفتاری در روابط اجتماعی بوده که عمومی و الزامی است و دولت اجرای آن را تضمین نموده است.

۲۲۶. فرض قانونی و قاعده حقوقی - وجه تشابه: اثبات خلاف هیچ یک شدنی نیست.

- وجه افتراق: فرض قانونی بر خلاف «واقعیت»؛ ولی قاعده حقوقی معمولاً مبتنی بر باورها، منطق، آداب و رسوم، عرف و ... بوده و بنابراین با «واقعیت» هماهنگ است.

* هر دو با اماره و اصول عملیه ناهمسانند زیرا اثبات خلاف اماره و اصل عملی شدنی است.

۲۲۷. اصل عملی عبارت از قاعده ای است که به هنگام شک در حکم واقعی، بدان عمل می شود و چون گفتگو از ادله ی اثبات دعوا است، شک و تردیدی مورد نظر است که نسبت به امور موضوعی و نه امور حکمی وجود داشته باشد.

۲۲۸. عمل به اصول عملیه تنها در مواردی است که نسبت به واقع امر، یقین یا ظن معتبر وجود نداشته باشد.

۲۲۹. اصول عملی مورد توجه در ادله اثبات دعوا

۱- اصل عَدَم: هیچ پدیده و امری وجود ندارد و واقع نشده است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. (م ۱۲۵۷ ق.م)

۲- اصل برائت: هرگاه در وجود حق یا دینی شک و تردید به وجود آید به نبودن حق یا دین حکم می شود. (م ۱۹۷ آ.د.م)

۳- اصل اِسْتِصْحَاب: باقی دانستن حالت و وضعیتی است که در گذشته مسلم بوده و اکنون نسبت به وجود آن حالت یا وضعیت شک و تردید ایجاد شده است، به این شک اعتنا نشده و حالت و وضعیت گذشته برقرار شمرده می شود. (م ۱۹۸ آ.د.م)

۴- اصل تَأَخُّرِ حَادِث: در مواردی که دو حالت یا وضعیت به وجود آمده باشد و تاریخ تحقق یکی از آنها معلوم و تاریخ تحقق دیگری نامعلوم باشد، فرض می شود حالت و وضعیتی که تاریخ تحقق آن مجهول است، پس از آنکه تاریخ تحققش معلوم است، محقق شده است. (م ۸۷۴ ق.م)

۵- اصل صِحَّت: هرگاه عقد یا قراردادی واقع شده باشد اما در مخالفت آن با قانون شک شود، صحت آن یعنی موافقت آن با قانون محرز دانسته می شود. (م ۲۲۳ ق.م)

۶- اصل اصالت و اعتبار اسناد رسمی: سندی که مطابق قانون به ثبت رسیده، رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر اینکه مجعولیت آن سند ثابت شود. (م ۷۰ ق.ث) (م ۱۲۹۲ ق.م)